

# بررسی ساختار جامع فرق و مذاهب، قابل تطبیق با فرقه‌های اسلامی

## اشاره

به مناسبت هفته پژوهش، نشست علمی «بررسی ساختار جامع فرق و مذاهب، قابل تطبیق با فرقه‌های اسلامی» در تاریخ ۱۹ آذر ۱۴۰۲ در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، در شهر مقدس قم برگزار گردید.

در این نشست، ابتدا جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا شیرملکی، مدیر گروه علوم عقلی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، به‌عنوان ارائه‌کننده، گزارشی از ویژگی‌های نرم‌افزار جدید نور تحت عنوان «دانشنامه فرق و مذاهب» که در حال تولید است، ارائه نمود و ضمن اشاره به روند انتخاب منابع برای این برنامه، به معرفی مهم‌ترین ویژگی‌های درختواره در این نرم‌افزار پرداخت.

در بخش دوم، حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا شریعتمداری، عضو هیئت علمی و دانشیار شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، به‌عنوان ناقد، به ارائه بحث پیرامون کتابخانه و دانشنامه فرق و مذاهب اسلامی پرداخت و ضمن بیان برخی ملاحظات، مطالبی را در قالب پیشنهاد برای بهتر شدن این نرم‌افزار اشاره کرد.

آنچه از نظر می‌گذرد، مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در این نشست علمی است که برای استفاده راحت‌تر خوانندگان گرامی، از صورت گفتاری، به شکل نوشتار تبدیل شده است.

**کلیدواژه‌گان:** فرق و مذاهب، دانشنامه، ملل و نحل، فرق اسلامی، درختواره فرق و مذاهب.

## منابع مهم در دانشنامه فرق و مذاهب

بخش اول این نشست علمی، اختصاص دارد به مطالب ارائه شده توسط جناب آقای شیرملکی در باره نرم‌افزار «دانشنامه فرق و مذاهب» که در ادامه بیان می‌شود:

«در این جلسه، ساختار یک نرم‌افزار فاخر و جدید دیگر از برنامه‌های مرکز نور را خدمتتان معرفی می‌کنم. برنامه «دانشنامه فرق و مذاهب»، بزرگ‌ترین و جامع‌ترین دانشنامه فرق و مذاهب اسلامی است که می‌توان گفت در جهان اسلام، بی‌نظیر است؛ چون واقعاً کاری با این سبک و سیاق به صورت دیجیتال، تاکنون صورت نگرفته و آنچه را ارائه خواهد شد، می‌توان بزرگ‌ترین و جامع‌ترین دانشنامه فرق و مذاهب اسلامی دانست. در این برنامه، تمام کتاب‌های موجود در باب فرق و مذاهب، از قرن سوم هجری تا قرن سیزدهم و نیز مهم‌ترین کتاب‌های قرن چهاردهم و پانزدهم هجری، مورد تحلیل درختی قرار گرفته است.

یادآوری این نکته، بسیار مهم است که برای دستیابی به آرا و عقاید هر فرقه‌ای، بهتر است که به منابع دست اول همان فرقه مراجعه کنیم و اعتقادات هر فرقه را از منابع خودشان به دست آوریم؛ چون در آثاری که در مورد فرق و مذاهب نوشته شده، از همان قرون اولیه تاکنون، معمولاً حب و بغض‌ها و تعصبات مذهبی نویسنده در مطالب آن تأثیرگذار بوده است.

در این برنامه، کتاب و کتابخانه، پایه و اساس کار دانشنامه است. بنابراین، بررسی‌های فراوانی برای انتخاب متون صورت گرفته است. در موضوع فرق و مذاهب، کتاب‌های سده اول تا به حال، بررسی شده است.

در قرن سوم، هفت کتاب مشهور هست که در باب فرق و مذاهب نوشته شده بود. یکی کتاب «الفرق» تألیف یعقوب بن اسحاق (ابن سکیت) است. یکی هم کتاب «المقالات» تألیف هارون و راق است. دیگری کتاب «اختلاف الشیعه» تألیف ابوعیسی محمد بن هارون و راق، و کتاب «المقالات» تألیف حسین بن علی کرابیسی، کتاب «فرقه الشیعه» تألیف ابوالمظفر نعیمی، و کتاب «الإستقامه» تألیف ابوعاصم خشیش بن اسرم و کتاب «المقالات» یا «مقالات الاسلامیین» تألیف کعبی. متأسفانه، هیچ‌کدام از این کتاب‌ها، یا در دسترس نیستند یا کلاً از بین رفته‌اند. به هر حال، ما به آنها دسترسی نداریم.

## حجت الاسلام شیرملکی:

قرن پنجم، نقطه عطفی در بحث فرقه نویسی و کار ملل و نحل است. در این قرن، شش کتاب معروف وجود دارد که همه این شش کتاب، خوشبختانه در دسترس است و در برنامه هم آمده است. اینها کتاب‌های بسیار مهمی هستند که پایه بسیاری از نوشته‌هایی به شمار می‌روند که در قرن‌های بعدی در باب «فرق المذاهب» نوشته شده‌اند. در قرن ششم هم همین طور، و همچنین در قرن‌های بعدی

از قرن چهارم هم کتاب‌هایی بود که بعضی از آنها، در دسترس است و بعضی هم در دسترس نیست. آن‌طور که بنده یادداشت کردم، دوازده کتاب مربوط به قرن چهارم است که از این دوازده کتاب، تقریباً چهار - پنج مورد از آنها موجود است و بقیه آنها موجود نیست. این کتاب‌ها، عبارت‌اند از:

«الآراء و الدیانات» نوشته حسن بن موسی نوبختی هست که این کتاب، فعلاً در دسترس نیست. کتاب «فرق الشیعه» هم نوشته جناب حسن بن موسی نوبختی است که این کتاب، در برنامه آمده است. کتاب «فرق الشیعه» تألیف ابوالقاسم نصر بن صباح بلخی که در دسترس نیست. کتاب «المقالات و الفرق» نوشته سعد بن عبدالله ابی‌خلف اشعری، «التنبیه و الرد علی أهل الأهواء و البدع» نوشته مطلی شافعی است که در برنامه آمده است و کتاب‌های دیگری که نام بردن یک‌یک آنها وقت بیشتری را می‌طلبد.

اما قرن پنجم، نقطه عطفی در بحث فرقه‌نویسی و کار ملل و نحل است. در این قرن، شش کتاب معروف وجود دارد که همه این شش کتاب، خوشبختانه در دسترس است و در برنامه هم آمده است. اینها کتاب‌های بسیار مهمی هستند که پایه بسیاری از نوشته‌هایی به شمار می‌روند که در قرن‌های بعدی در باب «فرق المذاهب» نوشته شده‌اند. در قرن ششم هم همین طور، و همچنین در قرن‌های بعدی. در قرن دهم نیز دو کتاب مهم است. یکی «خمسة رسائل فی الفرق»، تألیف ابن کمال پاشا و دیگری «الجوهرة الخالصة»، تألیف عبدالصمد دامغانی. در قرن یازدهم، با بررسی‌هایی که انجام شد، فقط کتاب «دبستان المذاهب»، تألیف فانی کشمیری یافت شد. برای قرن دوازدهم نیز یک کتاب تک‌نگاره‌ای است در «طبقات الزیدیه» که اثر ابراهیم بن قاسم بن مؤید بالله است.

اگر بخواهیم خلاصه کنیم، کتاب‌های مهم فرق و مذاهب از قرن سوم تا قرن سیزدهم که در دسترس هم باشند، کتاب‌های زیر است: «فرق الشیعه»، «المقالات و الفرق»، «مقالات الاسلامیین»، «التنبیه و الرد علی أهل الأهواء و البدع»، «الفرق بین الفرق»، «الفصل فی الملل و الأحوال و الأهواء و النحل»، «التبصیر فی الدین»، «بیان الأدیان»، «الفرقة المفترقة» و «الملل و النحل». در کتابخانه این برنامه، تمام کتاب‌هایی که مربوط به قرن سوم تا دوازدهم است و در دسترس بوده، همه آنها آمده و در دسترس پژوهشگران قرار گرفته است.»

## دانشنامه فرق و مذاهب

مدیر گروه علوم عقلی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در ادامه توضیحات خود افزود:

«در این برنامه، یک دانشنامه هم هست که برای ارائه آن، اهدافی مد نظر بوده است که در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنم:

در این نرم‌افزار، درختی از مطالب اصلی علم فرقه‌شناسی ارائه شده است. این درخت، به گونه‌ای طراحی شده که تمام مطالب کتاب‌های فرقه‌شناسی را تحت پوشش قرار داده است. ما معتقدیم که این درخت، نقاط ضعف دانشنامه‌های مکتوب موجود را برطرف کرده است. از اشکالات کتاب‌ها، معمولاً این هست که جامع نیستند و هر فرقه‌ای را که از صدر تا الآن از اسلام منشعب شده یا جدا شده، در خود جای نداده‌اند. اوایل سعی بر این بود که در کتاب، فرقه‌ها را طوری معرفی کنند که با حدیث معروف نبی اکرم (ص) که می‌فرماید: امت بعد از ایشان به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند، مطابقت داشته باشد. فرقه‌سازی‌های زیادی هم همان اوایل صورت گرفته بود؛ ولی هر چه پیش رفت و جلوتر آمدند، فرقه‌هایی با اسم‌های مختلف و انشعابات گوناگون پیدا شدند.

## حجت الاسلام شیرملکی:

برنامه «دانشنامه فرق و مذاهب»، بزرگ‌ترین و جامع‌ترین دانشنامه فرق و مذاهب اسلامی است که می‌توان گفت در جهان اسلام، بی‌نظیر است؛ چون واقعاً کاری با این سبک و سیاق به صورت دیجیتال، تاکنون صورت نگرفته و آنچه را ارائه خواهد شد، می‌توان بزرگ‌ترین و جامع‌ترین دانشنامه فرق و مذاهب اسلامی دانست. در این برنامه، تمام کتاب‌های موجود در باب فرق و مذاهب، از قرن سوم هجری تا قرن سیزدهم و نیز مهم‌ترین کتاب‌های قرن چهاردهم و پانزدهم هجری، مورد تحلیل درختی قرار گرفته است



الآن بنا بر آن چیزی که در دانشنامه است، حدود هزار فرقه، اسم آنها در میان منابع آمده که گردآوری شده است؛ اینها اسم فرقه‌هایی است که از اسلام منشعب شده است. البته در هیچ دانشنامه‌ای به صورت مجتمع، اینها را پیدا نمی‌کنید؛ ولی یکی از خصوصیات دانشنامه، این است که اطلاعات منابع مختلف را گرد هم آورده است. ویژگی و ظرفیت دیگر دانشنامه، این است که مسائل فرقه‌شناسی، عقاید، آرا و مؤلفه‌های دیگر فرق و مذاهب در آن به صورت ساختارمند آمده است و این در حالی است که هیچ کتابی به این صورت، روی آنها کار نشده است.

در این دانشنامه، مجموعه‌ای واقعاً بی‌نظیر فراهم آمده که هیچ کتاب یا دانشنامه مکتوبی، چنین ظرفیتی ندارد که بخواهد این همه مسائل مختلف را در خودش جا بدهد. یکی از کارهای بسیار مهم و اصلی در دانشنامه فرق و مذاهب، درخت فرق و مذاهب است. طراحی این درخت، واقعاً کار بسیار دقیق و مشکل، و در عین حال، تأثیرگذار است. اگر کسی بخواهد درخت فرق و مذاهب را طراحی کند، باید یک تسلط نسبی به مسائل اصلی، و همین‌طور یک تسلط نسبی به فروع فرق و مذاهب و همه شاخه‌های مرتبط با آنها داشته باشد.»

### مراحل تدوین درختواره

حجت‌الاسلام شیرملکی در باره مراحل تدوین درختواره برنامه اظهار داشت:

«طراحی این درخت، به این صورت بوده که با توجه به مطالعه‌ای که در کتاب‌های فرق و مذاهب داشتیم، اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های هر فرقه را تدوین کردیم. هر فرقه را ابتدا تعریف کردیم. البته این تعریف، به معنای تعریف اصطلاحی و منطقی نیست؛ بلکه به این شکل است که هر چیزی را که مشخص‌کننده نام یک فرقه باشد، تعریف به حساب آورده‌ایم؛ مثلاً اینکه به پیروان فلان شخص، فلان فرقه اطلاق شده، خودش یک تعریف به حساب می‌آید. بعد هم عقاید آن فرقه را مطرح کرده‌ایم. در قسمت عقاید، اعتقادات آن فرقه در باره توحید و مباحث زیرمجموعه آن،



مثل: توحید ذاتی، احدی، واحدی، افعالی، صفاتی و عبادی پرداخته شده است و همین طور، مبحث عدل؛ مثلاً عدل از منظر این فرقه چه جایگاهی دارد؟ در عدل، دو بحث هست: گاهی بحث در باره خود صفت عدل است که آیا حق تعالی اصلاً صفتی به نام عدل دارد؟ دیگری، بحث از حُسن و قبح عدل، شرور و... است.

همین طور، مبحث نبوت؛ مباحثی مانند: اثبات نبوت، ضرورت نبوت، معرفت به نبی، شرایط نبی، حُسن بعثت، امکان بعثت، غایت بعثت و... . بحث امامت هم باز شبیه به نبوت، همه این مسائل را دارد؛ از قبیل: اثبات امامت، ضرورت امامت، مسائل امامت، شرایط امام و...؛ برای مثال، اینکه امام آیا حتماً باید معصوم باشد یا نه؟ افضل باشد یا نه؟ قریشی باشد یا هاشمی؟ از اولاد حضرت زهرا(س) باشد یا نه؟ اینها مسائلی است که در بحث شرایط امام مطرح می‌شود. یا مثلاً بحث از اینکه تعیین امام، در هر فرقه‌ای به چه صورت است؟ به نصب است یا به دعوت، یا به قهر و ایلا؟ یا بحث از مصادیق امام؛ از نظر هر فرقه، امام یا امامان چه کسانی هستند؟

همچنین، در مبحث معاد هم مسائلی مطرح است؛ مسائلی مانند: اثبات معاد، ضرورت معاد، اسما و احکام، ایمان، طاعت، عبادت و کفر. یک دسته از مسائل دیگر هم امور عامه است. اگر فرقه‌ای نظر خاصی در مورد: وجود، موجود، حدوث، ماهیت و امثال اینها داشته باشد، در قسمت امور عامه ارائه می‌شود.

یکی دیگر از موضوعات، بحث از مناسبات بین گروه‌ها و فرقه‌هاست؛ مثلاً گفته می‌شود که فلان فرقه، متأثر از فرقه دیگر است یا منشعب از فرقه دیگر است. یا از نظر تاریخی و سیاسی، بین دو فرقه ارتباطی وجود دارد. این گونه مسائل، در مبحث مناسبات بین فرقه‌ها طرح می‌شود. از سوی دیگر، ممکن است یک فرقه‌ای، ویژگی و اعتقاد خاصی را در کتاب‌های فرق و مذاهب برایش برشمرده باشند که مختص خودش باشد؛ این هم در بحث مختصات آن فرقه مطرح می‌شود. یا مثلاً فرقه‌ای در بحث‌های کلامی، منهج خاصی دارد؛ برای نمونه، بعضی منهج نقلی دارند (مثل اهل حدیث) و بعضی منهج عقلی دارند (مثل معتزله)، یا اینکه برخی فرقه‌ها احکام فقهی خاصی دارند، یا بعضی فرقه‌ها عادات و رسوم خاص یا دعاوی ویژه‌ای دارند؛ مثلاً ممکن است کسی ادعای حلول دارد یا بعضی از سران و مؤسسان فرقه‌ها، ادعای الوهیت یا نبوت دارند یا ادعای وحی یا

اعجاز دارند؛ اینها در دسته مربوط به خودش مطرح می‌شود.

بحث دیگر، تاریخ فرقه‌هاست. در قسمت تاریخ، هم بحث منشأ مطرح است و هم بحث تطورات. چه رخدادی باعث پیدایش هر فرقه شده است؟ چه اتفاقی افتاده که یک فرقه اعلام موجودیت کرده است؟ بعد که تشکیل شد، در ادامه چه اتفاقاتی برای آن فرقه افتاد؟ و چه رخدادهای تاریخی برایشان پیش آمد؟ همه اینها، ذیل مبحثی با عنوان «تطورات» مطرح می‌شود.

مبحث دیگر، رجال هر فرقه است. در هر فرقه، مؤسس و مشاهیرش معرفی شده و در منابع، هر جا به آن فرد اشاره‌ای شده، به این شاخه مربوطه متصل شده است. همچنین، مناطقی که هر فرقه در آن سکونت می‌کردند، در طول تاریخ کجا بوده است. از زمانی که فرقه تشکیل شد و بعد که ادامه پیدا کرد، در چه مناطقی آن فرقه مطرح بوده است؟ همین طور، آثار مربوط به فرقه چه بوده؟ آثار مکتوب فرقه و آثاری مثل بناهای تاریخی و امثال آنها کدام است؟ در ضمن، اگر در مورد هر فرقه آرا و ایرادهایی باشد، در جایی از درختواره به آن پرداخته شده است.

#### \* نمایه مکمل

بعد از اتصال مطالب کلامی متن به شاخه مخصوص آن، معمولاً مطالبی در متن کتاب است که از نظر پژوهشی بسیار مهم است و اگرچه به‌عنوان کلی به شاخه‌ای از درخت متصل می‌شود، ولی در شاخه درخت با عنوان خاص یافت نمی‌شود. این دست موارد، در هر صورت، باید به محقق نشان داده شود تا از برکات پژوهشی آن بهره‌مند شود. این مهم، توسط نمایه‌های مکمل محقق می‌شود. در حقیقت، نمایه مکمل، زیرعنوان‌های مرکبی هستند که از دو یا چند کلیدواژه تألیف می‌یابد. نمایه‌ها با توجه به متن و شاخه ساخته می‌شوند و ابزاری کاربردی و مهم برای دستیابی آسان‌تر و پُر فایده‌تر به مفاهیم متن و درخت به شمار می‌رود؛ برای مثال، اگر متن در باره اثری از آثار اثناعشریه مطلب آورده باشد، به شاخه آثار اثناعشریه متصل می‌شود؛ ولی اینکه این اثر، از آثار مکتوب یا غیرمکتوب است و یا اگر مکتوب است، از آثار کدام شخصیت علمی اثناعشری است، با نمایه مکمل نشان داده خواهد شد. همچنین، اگر شخصی در متن به‌عنوان مؤسس فرقه‌ای معرفی می‌شود و به شاخه مؤسس فرقه متصل می‌شود، در نمایه اسم شخص مؤسس و اطلاعات مربوط به او، نشان داده خواهد شد و همین گونه است، بقیه شاخه‌های درخت.

#### حجت الاسلام شیرملکی:

در این نرم‌افزار، درختی از مطالب اصلی علم فرقه‌شناسی ارائه شده است. این درخت، به گونه‌ای طراحی شده که تمام مطالب کتاب‌های فرقه‌شناسی را تحت پوشش قرار داده است. ما معتقدیم که این درخت، نقاط ضعف دانشنامه‌های مکتوب موجود را برطرف کرده است. از اشکالات کتاب‌ها، معمولاً این هست که جامع نیستند و هر فرقه‌ای را که از صدر تا الآن از اسلام منشعب شده یا جدا شده، در خود جای نداده‌اند

در کار درختواره‌ای، محققان ما با خواندن و تحلیل خطبه‌خط متون و اتصال آن به شاخه مربوطه، و همچنین استخراج نمایه‌های متناسب و متناظر با درخت، امکان جست‌وجوی مفهومی را برای کاربران و پژوهشگران فراهم میکنند. در حقیقت، یک بار محققان ما زمان بسیاری برای تحلیل مفهومی متن صرف میکنند تا کاربران در کمترین زمان، به مطلوب خود برسند.

#### \* کلیدواژه

در مرحله بعد، نمایه‌ها به کلیدواژه تجزیه میشوند. کلیدواژه‌ها، عناوین کلی‌ای هستند که محور اصلی تمامی مفاهیم موجود در نمایه‌های نرم‌افزار درختواره به شمار می‌آیند. کلیدواژه‌ها، نقشی بسیار کلیدی را برای دستیابی محققان به حوزه‌های تحقیقی آنها ایفا میکنند. کلیدواژه‌ها در تنظیم درختواره، در رتبه بعد از درخت و نمایه هستند؛ یعنی اول درخت ساخته میشود و بعد با توجه به متن و شاخه‌های درخت، نمایه‌ها و آنگاه از این نمایه‌ها، کلیدواژه‌ها تهیه خواهد شد؛ اما در تحقیقات کاربران، برای استفاده از نمایه‌ها، کلیدواژه‌ها به نوعی مقدم هستند. می‌توان گفت کلیدواژه‌ها به نحوی دروازه ورود به نمایه، و از نمایه به متن هستند. از این رو، بسیار مهم به شمار می‌روند.

#### \* مرتبطات

یکی از کارهای بسیار مهم دیگری که در راستای داده‌های تحقیقی، در خصوص کلیدواژه‌ها انجام گرفته، به‌ویژه روی نام فرقه‌ها، اصطلاحات و واژه‌ها، اسم شخصیت‌ها، اسم کتاب‌ها و موارد دیگر است که در ادامه، در قالب مثال، به برخی از آنها اشاره می‌شود.

برای مثال، کلیدواژه‌ای همچون «فخر رازی» را که یک شخصیت کلامی است، در نظر بگیرید. یک کاربر محقق می‌خواهد در باره او پژوهشی انجام دهد. شاید در ابتدا نداند در قسمت کلیدواژه‌ها با چه لفظی باید جست‌وجو کند تا او را به مطلوبش برساند؛ زیرا دامنه واژگان در باره فخر رازی، وسیع است و چه بسا هرکسی واژه‌ای خاص در ذهن داشته باشد؛ مثلاً امکان دارد شخصی او را با نام «الفخر الرازی» در ذهن داشته باشد، کسی دیگر با نام «فخرالدین الرازی» یا «ابن خطیب الرازی» یا «عمر بن محمد بن الحسین الرازی» و یا حتی به اسم «امام المشکین». در این برنامه سعی شده تا با مترادف‌سازی برای اسم اشخاص در قسمت کلیدواژه‌ها - البته فقط برای اسم‌های مشهور و پُرکاربرد در متون کلامی - کاربر و محقق را با جست‌وجوی هر یک از اسم‌های مشهور



## حجت الاسلام شیرملکی:

بعد از اتصال مطالب کلامی متن به شاخه مخصوص آن، معمولاً مطالبی در متن کتاب است که از نظر پژوهشی بسیار مهم است و اگرچه به عنوان کلی به شاخه‌ای از درخت متصل می‌شود، ولی در شاخه درخت با عنوان خاص یافت نمی‌شود. این دست موارد، در هر صورت، باید به محقق نشان داده شود تا از برکات پژوهشی آن بهره‌مند شود. این مهم، توسط نمایه‌های مکمل محقق می‌شود.

که در متون آمده، به مطلوبش برسانیم که همان شخصیت خاص هست و در واقع، نتیجه‌ای که از همه آن اسم‌ها به دست می‌آید، یکی است.

دیگر اینکه کاربر با کلیک روی کلیدواژه «الفخر الرازی» یا هر کدام از مترادف‌های آن، می‌تواند تمام نمایه‌های مربوط به این شخصیت را مشاهده کند و بر این اساس، خواهد توانست نزدیک‌ترین نمایه و یا نمایه‌های مرتبط با تحقیق پژوهشگر را از بین تمام نمایه‌هایی که در درختواره برای این شخصیت آمده، انتخاب کند.

دیگر اینکه مقابل اسم این شخصیت، دکمه «مرتبطات» در نظر گرفته شده که با انتخاب آن، تمام کلیدواژه‌های مربوط به این شخصیت که در درختواره آمده و کتاب‌هایی که مورد تحلیل درختی قرار گرفته، به نمایش در خواهد آمد؛ مانند: کتاب‌های آن شخصیت، مذهب کلامی، مشایخ و اساتید و شاگردان وی، سال و قرن وفات او. این موضوع، خود میتواند محققان را به اطلاعات نسبتاً جامعی در باره شخصیت مورد نظر برساند.»

### ارزش پروژه فرق و مذاهب

در بخش دوم این نشست علمی، بعد از سخنان مدیر گروه علوم عقلی نور، جناب آقای شریعتمداری به بیان نکاتی در باره درختواره فرق و مذاهب و نیز نحوه گزینش منابع در برنامه پرداخت که در ادامه، آمده است.

«حضور در این مرکز، با دستاوردهای عظیم و ماندگاری که دارد و حضور در جلسه‌ای که در جهت زمینه‌سازی برای رونمایی از یک نرم‌افزار بسیار مهم و مؤثر است، مایه سپاس امتنان و ابتهاج بنده است. من از مقدمات صرف نظر می‌کنم. مزایای کار را که گفته شد، دیگر تکرار نمی‌کنم. فقط دو نکته دیگر می‌گوییم.

اول اینکه باید تشکر کرد از این مجموعه محترم که به بحث فرق و مذاهب و ادیان توجه نشان داده است. اگرچه دیر شده، ولی باز هم جای ستایش دارد. کسانی که در زمینه‌های مختلف، تحقیق و مطالعه دارند، به‌ویژه در زمینه‌های کلامی و فقهی، به‌خوبی می‌دانند که آشنایی با فرق دیگر مذاهب در امامیه یا در اسلام و حتی گاهی آشنایی با دیگر ادیان، و به طور خاص، ادیان هم‌خانواده با ادیان





ابراهیمی، یا گاهی گفته می‌شود ادیان سامی، چقدر می‌تواند از لغزش‌های علمی و اشتباهاتی که ممکن است مشکل‌ساز باشد، جلوگیری کند.

قبل از انقلاب، شهید آیت‌الله دکتر بهشتی در یک سخنرانی که در مدرسه حقانی داشت، فرموده بود: گاهی آشنایی با برخی از اطلاعات عمومی دیگر ادیان، مثلاً مسیحیت و یهودیت، باعث می‌شود انسان بیست - سی صفحه مطلب را که برای مثال، قبلاً از فلان تفسیر معروف فهمیده بود، کنار بگذارد؛ به‌خصوص فرقه‌هایی که هم‌جوار ما بوده‌اند و با ما تعامل داشته‌اند و حتی گاهی تقابلی و تعارض داشته‌اند؛ مثل زیدیه و اسماعیلیه. همین‌طور، گاهی درون یک فرقه اتفاقاتی افتاده، مثلاً درون اثناعشریه، این قبیل اطلاعات می‌تواند برای ابهام‌زدایی کمک کند و فهم بهتری را رقم بزند و نقاط قوت و ضعف‌ها را روشن کند. از این جهت، این کار، بسیار ارزشمند است.

البته بحث مشابه‌یابی، ریشه‌یابی و تبارشناسی هر شخصیت و هر اثر و فرقه هم از مزیت‌های این کار است که به آن اشاره نشد؛ زیرا این امکان را فراهم می‌کند که انسان عقبه برخی مسائل را بفهمد؛ مثلاً زیدیه گرایش‌های فلسفی دارند؛ درحالی‌که در زیدیه، فلسفه معمولاً جایگاهی نداشته است. پس، چگونه گرایش به فلسفه در بین آنها ظهور و بروز پیدا می‌کند؟ یا مثلاً مفهوم غیبت و باور به امام غایب، در زیدیه مطرح نبوده. پس، چگونه مثلاً حسینیه زیدیه پیدا می‌شود؟ درست است که مطالعات و شواهد دیگری هم می‌خواهد، اما از این منابع و کتاب‌ها می‌توان برای تبارشناسی و ریشه‌یابی استفاده کرد.»

### چند نکته کلی درباره برنامه فرق و مذاهب

حجت‌الاسلام والمسلمین حمیدرضا شریعتمداری در ادامه سخنان خویش، به ذکر چند نکته کلی درباره بهترشدن محتوا و قابلیت‌های نرم‌افزار پرداخت و گفت:

«بنده چند نکته عرض می‌کنم که اگر رعایت بشود، ان‌شاءالله این کار می‌تواند در جهان اسلام بازتاب زیادی داشته باشد. ابتدا چند ملاحظه کلی دارم که عمدتاً به صورت پیشنهاد است و بعد در

خصوص هر دو بخش «کتابخانه» و «درختواره» هم چند نکته جزئی دارم.

۱. ای کاش بین ادیان و مذاهب، تفکیکی صورت می‌گرفت. این گونه تفکیک، در گذشته مرسوم بوده؛ ولی هرچه جلوتر آمده‌ایم، به این رویه کمتر عمل شده است. به نظر می‌رسد که این دو حوزه، از لحاظ: مسائل، دغدغه‌ها، روش‌ها و رویکردها، با همدیگر تفاوت بسیاری دارند و منابع تحقیق در مورد اینها، خیلی هم متفاوت است. ممکن است، کسی در حوزه همه فرق شیعی یا اسلامی اطلاعات داشته باشد، اما اینکه در همه این عرصه‌ها به اضافه عرصه‌های ادیان بتواند آگاهی و اطلاع داشته باشد، کار سختی است. بنابراین، تفکیک این موارد، بهتر است.

در وضعیت فعلی، در این کار ارزشمندی که صورت گرفته، بخش ادیان به حاشیه رفته است. البته این مطلب، روشن است که در مورد ادیان، به هر حال ناگزیر هستیم که به منابع با زبان‌های خارجی غیرعربی و فارسی مراجعه کرد؛ درحالی که در مطالعات مربوط به فرق و مذاهب، می‌توان به همین منابع فارسی و عربی اکتفا کرد.

۲. زبان این برنامه، عربی در نظر گرفته شده است و این، کار خوب و درستی است. در این حوزه مطالعاتی، هرکسی که وارد بشود، حتی اگر اروپایی، آمریکایی و غربی هم باشد، با عربی آشناست؛ اما در این حوزه مطالعاتی، افراد زیادی هم داریم که آشنا با زبان فارسی هستند؛ اما با عربی آشنا نیستند و مایل به این دست مطالعات هم هستند. بنابراین، اگر زبان‌های دیگر هم در برنامه پیش‌بینی بشود، بهتر است. از سوی دیگر، همین زبان عربی برنامه هم باید خیلی فاخرتر از این باشد. عربی که الآن هست، اگر دقیق و درست باشد، برگرفته از همین عربی کلاسیک سنتی و گاهی هم تا حدی حوزوی است؛ مثلاً تعابیری مثل: «آثار المسلمین»، «آثار الزیدیه»، «مناطق الشیعة»، تعابیر مرسوم نیست. بله، اینها غلط نیست؛ اما عربی فاخر هم نیست.

۳. در خصوص تاریخ‌گذاری‌ها نیز یک اصراری روی تاریخ قمری است. طبیعتاً تا یک دوره‌ای،

### حجت‌الاسلام شریعتمداری:

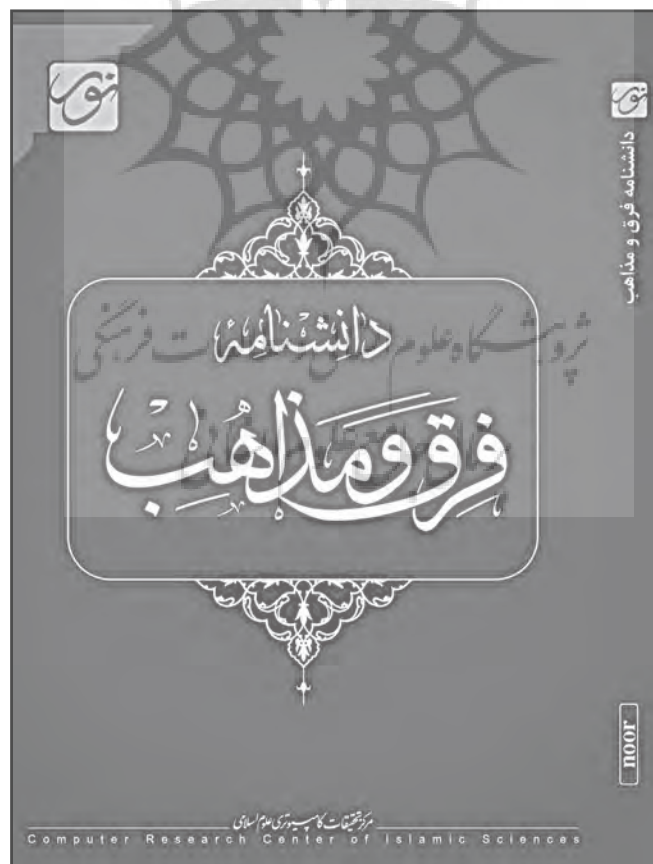
باید تشکر کرد از این مجموعه محترم که به بحث فرق و مذاهب و ادیان توجه نشان داده است. اگرچه دیر شده، ولی باز هم جای ستایش دارد. کسانی که در زمینه‌های مختلف، تحقیق و مطالعه دارند، به‌ویژه در زمینه‌های کلامی و فقهی، به‌خوبی می‌دانند که آشنایی با فرق دیگر مذاهب در امامیه یا در اسلام و حتی گاهی آشنایی با دیگر ادیان، و به‌طور خاص، ادیان هم‌خانواده با ادیان ابراهیمی، یا گاهی گفته می‌شود ادیان سامی، چقدر می‌تواند از نغزش‌های علمی و اشتباهاتی که ممکن است مشکل‌ساز باشد، جلوگیری کند

تاریخ قمری مرجعیت دارد؛ اما در مورد معاصران، مثلاً اگر بنا باشد یک شخصیت اروپایی را معرفی کنیم و بگوییم برای مثال، مادلونگ در سال ۱۴۴۴ قمری از دنیا رفته است، اصلاً مفهوم نیست. البته جای تأسف دارد که در کشورهای عربی نیز تقریباً همگی تاریخ قمری را کنار گذاشته‌اند. اخیراً سعودی‌ها به طوری رسمی تاریخ میلادی را مصوب کردند. همین طور، مثلاً یک شخصیت ایرانی را که اکنون زنده است، اگر زمان زندگی‌اش را با تاریخ عربی مطرح کنیم، یک مقدار ارتباط برقرار کردن با آن راحت نیست.

۴. این کار، حتماً نیازمند یک «درباره» یا توضیح مفصلی است که جناب‌عالی فرمودید، برنامه «درباره» دارد. درباره این برنامه، نباید مختصر و مجمل باشد؛ بلکه باید مفصلاً به کلیاتی در باب فرق و مطالعات فرق و رویکردی که در این کار دنبال شده و اینکه انتخاب منابع بر چه اساسی بوده و امثال این گونه بحث‌ها، بپردازد.

۵. نمایه‌هایی که نمایش داده می‌شود، خصوصاً در مواردی که با سه‌نقطه مشخص شده، قدری شلوغ و نامنظم است.

۶. نکته دیگر اینکه در برنامه جایی باید توضیح داده شود که اصلاً فرقه به چه معناست و مراد از آن چیست؟ تا بعداً در آن دامی که برخی از کتاب‌ها و منابع برای محققان پهن کرده‌اند که به عدد همه مشاهیر متکلم، فرقه درست کرده‌اند، نیفتیم. به نظرم مناسب است که در ابتدا دقیقاً روشن شود منظور از فرقه چیست.



۷. منابع اصلی برای معرفی فرق و مذاهب، کتاب‌های ملل و نحل است. از سویی، منابع کلامی هم به‌مناسبت، به دیدگاه‌های فرق مختلف می‌پردازند. همین‌طور، در منابع تاریخی هم فراوان به آرا و مواضع فرق مختلف اشاره می‌شود. در منابع این نرم‌افزار، از هر سه دسته منابع استفاده شده است. البته بیشتر همان منابع ملل و نحل است؛ اما منابع کلامی و تاریخی هم دیده می‌شود. به نظر من، اگر در این برنامه تمرکز بر منابع ملل و نحل باشد، بهتر است و اصلاً وارد منابع کلامی و تاریخی نشوید و یا اگر می‌خواهید وارد بشوید، به صورت تفکیک‌شده به کاربر بفهمانید.

البته تردیدی نیست که کسانی که کتاب‌های ملل و نحل نوشته‌اند هم رویکرد کلامی داشته‌اند و به صورت تشکیکی و مراتبی، برخی‌ها تعصب خود را خیلی ابراز کرده‌اند؛ مثلاً کتاب «الفرق بین الفرق» تلاش دارد که همه فرق را در همان هفتاد و دو ملت بگنجانند و در جایی که فرقه‌ای اضافه آمده، آنان را از حدیث خارج می‌داند و از امت اسلام جدا می‌داند. بعد هم اصرار دارد که فرقه ناجیه را خودشان بدانند؛ اما منابع کلامی معمولاً تلاش می‌کنند آرای دیگران را بد بفهمند و به بهترین وجه رد نمایند. برای همین، اگر منابع کلامی و تاریخی را نیاورید، بهتر است. چون اگر بنا باشد بیاید، منابع کلامی و تاریخی، بسیار بیشتر از آن چیزی است که در اینجا آمده است.

۸. کتاب ملل و نحل، معمولاً به کتاب‌هایی گفته می‌شود که مجموعه‌ای از ملل و نحل را معرفی کرده است؛ اما کتابی را که محدود به یک فرقه است، آیا جزو منابع ملل و نحل حساب می‌کنید؟ شما برخی از منابعی که آورده‌اید، از این دست هستند که اگر قرار باشد از این منابع بیاورید، باید یک فهرست بلندی از منابع را ارائه می‌کردید؛ مثلاً در مورد قرامطه، اگر بنا باشد منابع را بیاورید، فهرست مفصلی خواهد شد.

۹. منابع، همگی فارسی و عربی‌اند و غیر از این دو زبان، نیامده است؛ درحالی‌که امروزه بسیاری از تحقیقات در زبان‌های دیگر مثل انگلیسی و آلمانی انجام می‌شود؛ مثلاً کتاب «کلام و جامعه فانس» که به زبان آلمانی است، در میان منابع شما نبود؛ در صورتی که از مهم‌ترین منابع مطالعات فرق است و مربوط به قرن سه نخست هجری است. این اثر، به فارسی هم ترجمه شده و سه جلد آن چاپ شده و جلد چهارم هم در مرحله ممیزی اداره ارشاد است و به‌زودی به بازار می‌آید؛ به‌عنوان نمونه، این اثر که آلمانی است و ترجمه هم شده، نباید از آن غفلت شود.

اکنون جزئی‌ترین تحقیقات در مورد زیدیه و امامیه، به زبان‌های غیرعربی و فارسی است؛ مثلاً پروژه خانم اشمیت که اتحادیه اروپا هم پشتیبانی مالی‌اش را می‌کرد و همین‌طور، کارهای زیاد دیگری که واقعاً بر مطالعات ملل و نحل پرتو می‌اندازد. امروزه، دیگر ما به‌راحتی نمی‌توانیم بگوییم مثلاً حسن بن محمد بن حنفیه، نویسنده اولین کتاب در باب ارجاء هست. آقای مایکل کول، زیرآب این نظر را زده است. یا مثلاً به‌راحتی نمی‌توانیم بگوییم کتاب «انقاذ البشر من الجبر و القدر» منسوب به سید مرتضی است. اینها تحقیقات زیادی است که در این زمینه صورت گرفته است و به نظرم باید برای این هم فکری بشود. منابعی را که به زبان‌های دیگر است، باید به نحوی در این کار مشاهده کنیم.

۱۰. در معرفی نویسنده منابع، بین نویسنده و گردآورنده هم تفکیک شود، بهتر است. چون در برنامه نوشته شده: پدیدآورنده. گاهی فهمیده نمی‌شود اینکه گفتید پدیدآورنده، آیا نویسنده بوده یا گردآورنده؟ مثلاً در فرق تسنن، جناب آقای فرمانیان نامش آمده است؛ حال آنکه ایشان گردآورنده این مجموعه مقالات هستند. شاید خودشان هم مقاله‌ای در آن بین داشته باشند؛ اما در کل، گردآورنده آن هستند. یا کتابی به ابوحاتم رازی نسبت داده شده؛ درحالی‌که این کتاب را آقای

سامرایی تألیف کرده و در ضمیمه کتابش کتاب «الزینه» آقای ابوحاتم رازی را هم آورده است و در برنامه نوشته شده که دو نفر پدیدآورنده هستند: یکی، ابو حاتم رازی و دیگری، سامرایی. به این موارد جزئی، در مورد مذهب و دین افراد، باید توجه شود؛ مثلاً مصطفی غالب را نوشته از اهل سنت است؛ درحالی که ایشان اسماعیلی نزاری قاسم‌شاهی است. یا مثلاً «بنالویس» را گفته مسیحی است؛ درحالی که پدر و مادرش یهودی بودند و خودش هم که عاشق اسرائیل و صهیونیسم بود. فکر نمی‌کنم که مسیحی بوده باشد. یا مثلاً آقای سید عبدالرزاق حسنی، شیعه است؛ اما به‌عنوان اهل سنت آمده است. نکته دیگر اینکه منابعی که در اینجا آمده، هم‌تراز نیستند؛ گاهی یک کتاب در سطح بالایی است؛ مثلاً از نظر زمان و نوع تألیف و نویسنده؛ حال آنکه کتاب دیگری، این طور نیست و در تراز پایین تر است.»

## درختواره

عضو هیئت علمی و دانشیار شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی که به‌عنوان ناقد در این نشست علمی حضور داشت، در خصوص بخش درختواره برنامه، به بیان چند پیشنهاد پرداخت و خاطر نشان کرد:

۱. یکی از چیزهایی که به نظر من درختواره را پذیرفتنی تر می‌کند، آن است که درختواره را محدود کنید به منابع اصلی و مشخص؛ یعنی اگر محقق می‌خواهد در زمینه فرق و مذاهب پژوهش کند، باید این احساس را داشته باشد که با مراجعه به این برنامه، با خیال راحت می‌تواند از آن بهره بگیرد و اگر مسئله‌ای را در آن دنبال کرد، بداند که از منابع دست اول و اصلی به او پاسخ داده می‌شود؛ نه منابعی که ممکن است از یک نویسنده درجه چهارم و پنجم باشد؛ چون اگر این طور باشد، نشانی غلط دادن به محقق است.

۲. درختواره‌ای که تدوین شده، نشانگر نگرش علمی خاص کسانی است که این درختواره را تهیه

حجت‌الاسلام شریعتمداری: *مطالعات فقهی*  
در درختواره، اگر بتوان مطالب متناسب به آن را از دو دسته منابع به صورت جداگانه مدون کرد و نمایش داد، خیلی بهتر می‌شود. یک دسته اینکه هر فرقه را از نگاه خودشان معرفی کنیم و دسته دیگر اینکه آن فرقه را از نگاه دیگران معرفی کنیم؛ مثلاً در مورد اشاعره، در هر مسئله‌ای، ابتدا منابعی از خودشان را نمایش دهیم که بیانگر اشعری‌گری و تطورات و ادوار اشعری‌گری باشد و در قسمتی دیگر، اشاعره را از نگاه کتاب‌های ملل و نحل بیاوریم

و تنظیم کرده‌اند. بنده معتقدم که بخش درختواره این نرم‌افزار، کار بسیار بدیع و ارزشمندی است که نیازمند لجنه‌های علمی مختلفی است که باید از محققان این مرکز و همین‌طور از دیگرانی که در خارج از این مرکز هستند، کمک گرفته شود تا هرکس آن را ببیند، احساس کند که نتیجه یک نگرش دقیق علمی فرقه‌شناسانه و ادیان‌شناسانه است. این کار، همان‌طور که فرمودید، تا حد زیادی به دور از مواضع پیشینی کلامی و مذهبی است؛ خصوصاً همان‌طور که گفتید، هر فرقه‌ای باید از نگاه خودش مورد مطالعه قرار بگیرد.

۳. در درختواره، اگر بتوان مطالب منتسب به آن را از دو دسته منابع به صورت جداگانه مدون کرد و نمایش داد، خیلی بهتر می‌شود. یک دسته اینکه هر فرقه را از نگاه خودشان معرفی کنیم و دسته دیگر اینکه آن فرقه را از نگاه دیگران معرفی کنیم؛ مثلاً در مورد اشاعره، در هر مسئله‌ای، ابتدا منابعی از خودشان را نمایش دهیم که بیانگر اشعری‌گری و تطورات و ادوار اشعری‌گری باشد و در قسمتی دیگر، اشاعره را از نگاه کتاب‌های ملل و نحل بیاوریم. اگر این کار اتفاق بیفتد، به نظر من اتفاق مهمی در مطالعات فرقه‌شناسی خواهد افتاد و بیشترین سود و منفعت را به‌عنوان شیعه می‌بریم؛ چراکه زیاد مورد هجمه و اتهام قرار گرفته‌ایم؛ یعنی مثلاً در خصوص توحید، بدون داوری، به دیدگاه یک فرقه کلامی پردازیم و بعد ببینیم از نگاه دیگران، به چه چیزهایی متهم شده است؟

۴. در درختواره، باید یک شفافیتی وجود داشته باشد و فرقه‌های معرفی شده نباید با هم تداخل داشته باشند؛ مثلاً فلاسفه، جزء فرقه‌ها آمده است! شاید در کتاب‌ها هم باشد؛ ولی واقعاً به چه مناسبت؟ یا مثلاً صوفیه به‌عنوان فرقه آمده یا تداخل‌هایی که در بعضی دیده می‌شود؛ مثلاً در ذیل «فرق المسلمین»، اهل سنت، شیعه و...، گفته شده: «المشبهه». بالأخره اگر مشبهه فرقه خاصی باشد و غیر از مثلاً کرامیه و امثال آن باشد، ذیل همان اهل سنت می‌گنجد و یک فرقه جدایی نیست. یا مثلاً «نواصب» اگر وجود داشته باشند، یک جامعه مستقلی نیستند؛ بلکه یا در دل همین خوارج هستند و یا در دل برخی از اهل سنت قرار دارند. یا مثلاً «المعطله»، احتمالاً منظور از آن، همان معتزله است. اینها زیرمجموعه اهل سنت هستند. چرا در ردیف اهل سنت آمده‌اند؟ مناسب نیست که مثلاً فرقه ایزدیه، در تراز اهل سنت بیاید. یا مثلاً در فرق زیدیه، وقتی از قاسمیه صحبت می‌شود، هادویه را هم می‌آوردید. بعد وقتی ناصریه را می‌آوردید، باید هارونیه را هم بیاورید؛ یعنی یا قاسمیه و هادویه را یکی می‌دانید، یا اینکه می‌گویید هادویه، ذیل قاسمیه، یک جریان بوده است. پس در این صورت، هارونیه هم زیر ناصریه، یک جریان مهمی باید به حساب بیاید.

به نظر می‌رسد که یک نحو اجتهادی را باید در روش تنظیم درخت داشته باشید. اجتهاد در کلام، نباید داشته باشید؛ اما اجتهاد روش‌شناسانه که نشان بدهد شما در تنظیم درختواره به آن توجه داشته‌اید. نباید بگذارید که شاخه‌ها و زیرشاخه‌های این درخت، با هم تداخل داشته باشند.»

### بررسی نقدهای برنامه

در ادامه جلسه، جناب آقای شیرملکی به بررسی ملاحظات و نقدهای ناقد محترم پرداخت که مهم‌ترین مسائل مطرح‌شده توسط ایشان، در ادامه می‌آید.

«برخی از مطالبی را که ناقد محترم بیان فرمود، طی چند نکته پاسخ می‌دهم و یا توضیحاتی در باره آن ارائه می‌کنم.

۱. اول اینکه در درختواره روی ادیان کار تخصصی انجام نشده است؛ بلکه در کتاب‌هایی که بررسی



می‌شد، اگر به مناسبت‌های مختلف از ادیان هم اسمی برده می‌شد، چون بنای ما بر این بود که مطلبی از این کتاب‌ها از قلم نیفتد، آن را ثبت می‌کردیم و مطالب مربوط به ادیان در این درخت، به اندازه همان مطالبی است که ما در میان کتاب‌ها به آنها برخورد کرده‌ایم.

۲. در مورد زبان محتوای علمی نرم‌افزار باید گفته شود که زبان برنامه، عربی است. بیشتر مخاطبان برنامه هم حوزوی هستند که با زبان عربی آشنایی دارند. ان‌شاءالله در ادامه این کار، بنا داریم آن را روی وب عرضه کنیم که احتمالاً به صورت ویکی فرق و مذاهب ارائه می‌شود. امیدواریم که قضیه زبان، در آنجا حل بشود.

۳. در خصوص اصرار بر بیان تاریخ‌ها به صورت تاریخ قمری، باید گفت که این یک سیاست‌گذاری کلان است که باید در جای خودش بحث شود.

۴. دانشنامه فرق و مذاهب، یک «درباره» مفصل دارد و نسخه‌ای که در اختیار ناقد محترم قرار داشته، شاید هنوز نسخه آزمایشی بوده و فاقد «درباره» بوده است.

۵. درباره تدوین درختواره باید گفت که سعی بر این بود که ما بی‌طرف باشیم؛ یعنی برای تمام فرقه‌ها، درخت واحد و یک‌شکل آورده شده است و همان شاخه‌هایی که برای اثناعشری تعریف کردیم، همان شاخه‌ها را برای تمام فرقه‌های دیگر هم تعریف نمودیم. البته در کتاب‌های فرقه‌شناسی قدیمی، معمولاً در مورد فرقه‌ها، روی عقاید آنها، مانند نگاهشان به موضوع توحید یا معاد، بحث می‌شد؛ اما در مورد فرقه‌هایی که جدیداً به وجود آمده‌اند، در کتاب‌های جدید، به عقاید آنها در مورد توحید و معاد و امثال آن نپرداخته‌اند. بنابراین، ما در درختواره برای بعضی از فرقه‌ها، چون اصلاً نشانی خاصی برای آنها در اختیار نداشتیم، برخی از شاخه‌ها را حذف کردیم؛ وگرنه شاخه‌های درخت، برای تمام فرقه‌ها یکسان بود.

۶. گفته شد که منابع را دو دسته کنیم: یکی، از دید خود اصحاب فرقه‌ها و دوم، از نگاه صاحبان کتاب‌های ملل و نحل؛ مثلاً برای اشاعره، یک کتاب از مذهب اشعری بیاوریم. این کار را در نرم‌افزار دیگری به نام «درختواره کلام اسلامی» انجام داده‌ایم. در آنجا کتاب‌هایی را که مثلاً از

## حجت الاسلام شیرملکی:

در مورد زبان محتوای علمی نرم افزار باید گفته شود که زبان برنامه، عربی است. بیشتر مخاطبان برنامه هم حوزوی هستند که با زبان عربی آشنایی دارند. ان شاءالله در ادامه این کار، بنا داریم آن را روی وب عرضه کنیم که احتمالاً به صورت ویکی فرق و مذاهب ارائه می شود. امیدواریم که قضیه زبان، در آنجا حل بشود



خود ابوالحسن اشعری یا از خود فخر رازی بوده، به عنوان کتاب اشاعره در درختواره آورده ایم و مطالب کتابها، ذیل درخت کلام آمده است. در این برنامه، فقط به اصل مباحث فرق پرداخته شده است. اینجا نگاه ما بیشتر نگاه فرقه شناسی است؛ نه ملل و نحل. حالا جاهایی هم شاید بالأخره اینها با همدیگر یک تداخلی داشته باشند؛ ولی در کل، نگاه ما نگاه فرقه شناسی بوده است.

۷. منابعی که گفته شد به زبانهای دیگر غیر از عربی و فارسی باشد، پیشنهاد خوبی است و ان شاءالله در نسخه های بعدی، مد نظر قرار خواهد گرفت. در این برنامه، بیشتر نگاه ما به تراث بوده است؛ یعنی کتابهایی که تا قرن دهم تا دوازدهم بوده است. در ادامه کار، تعدادی کتابهای جدید هم اضافه خواهد شد و در دستور کار قرار خواهد گرفت.

۸. در مورد تعبیر پدیدآورنده و تفکیک گردآورنده از نویسنده، باید عرض کنم اطلاعاتی که در اینجا آمده، ظاهراً بر اساس فهرست مربوط به کتابخانه ملی است و ما در اسامی، دخل و تصرفی نداریم.

۹. در مورد درختوارهها باید گفت که ما هیچ اجتهادی در باره دسته بندی فرقهها انجام ندادیم؛ بلکه تمام اینها را بر اساس آنچه در کتابها بوده، آورده ایم؛ مثلاً در اکثر کتابها «معطله» را به عنوان یک فرقه از معتزله آورده اند؛ ولی اگر در یک جا «معطله» هم ذیل معتزله آمده، این غیر از آن معطله ای است که در عرض معتزله آمده است. پس، ما بر اساس متن و محتوای کتابها، این درختها را ساخته ایم.

۱۰. در مورد درختواره و تداخل شاخهها، یک نوع اجتهادی مد نظر بوده است که مواظبت شده فرقهها در هم تداخل نداشته باشند. تدوین درخت نزد ما، بر اساس یک کتاب نبوده است؛ بلکه بر اساس منابع مختلف بوده و اگر چند منبع قدیمی، یک فرقه را جدا از فرقه ای دیگر معرفی کرده اند، ما هم به آن توجه داشته ایم. ■